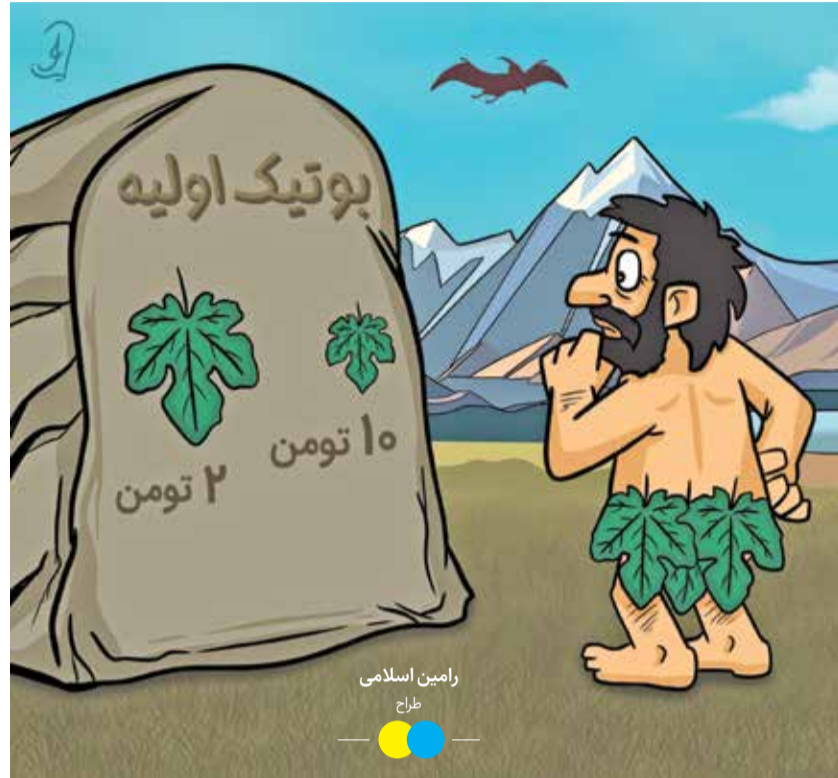


خود را به دمای ۶۰ برده‌ست زمین!
گویی به زمین گرم خورده‌ست زمین!

انگار پی ثبت رکورد است زمین!
بد جور هوس کرده که خورشید شود!



رامین اسلامی
طراح



تحلیل عکس

خانه پدری

فرشته پناهی
شاعر



باز هم بوی قیمة پیچیده
پوی استانبولی نذری هم
آخ جان باز هم منو باز است
طی یک ماه توی یخچالم

در به در می‌دوم پی نذری
دوسه تا هم برای بیماران
می‌نمایم ذخیره آخر دست

پای هر چایخانه می‌نوشم
چند تا چای پشت هم، زوری!
تا بگرم شفا ز هر مرضی
می‌کشم رُس چایی و قوری!

دود اسفند روضه‌های حسین
می‌برد هوش را به کل زسرم
حس و حال و بساط روضه و اشک
عین فطرس شفا دهد به پرم

می‌شوم بین خوبها جاساز
می‌شوم یکهو خادم هیأت
عینهو دوستان شش دنگش
می‌کنم هی به این و آن خدمت

هیأت و روضه خط پایان
پوچی و بی‌کسی و در به در نیست
به! چه خوب است حال من اینجا
هیأت انگار خانه پدریست!

صحبت‌ها

صامره حبیبی
شاعر



گوش از دیوار صحبت می‌کند
خرج از بازار صحبت می‌کند

زیر میزی هست ویتامین «ز»
دکتر از بیمار صحبت می‌کند

کارخوان چیزی نمی‌خواند چرا
چونکه از آمار صحبت می‌کند؟

در فجازی عکس عاشق می‌شود
غنچه از «گلزار» صحبت می‌کند

الامان از یک کلاغ و چل کلاغ
تا کسی از اخبار صحبت می‌کند

با «من و تو» بی‌من و تو می‌شود
هر که از اغیار صحبت می‌کند

پاره شد فرهنگ و کوچک شد حیا
پاچه از سلوار صحبت می‌کند

چشم بسته راه خود را می‌رود
خواب از بیدار صحبت می‌کند

خانه مانه، بچه مچه، پول مول
کارگر از بار صحبت می‌کند

بحث جذابی است امرار معاش
از معاش امرار صحبت می‌کند

«هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو»
طوطی از اسرار صحبت می‌کند

نه به آفریقا

بررسی دلایل بی‌اهمیتی
رابطه دیپلماتیک با قاره آفریقا

امین شفیعی
طنزپرداز



چرا سفر دیپلماتیک به آفریقا از قبل
شکست خورده است و برای کشور شما هیچ
دستاوردی نخواهد داشت؟ شاید برای شما
هم این سؤال پیش آمده باشد. اگر پیش
نیامده لازم است تلاش کنید این سؤال را
برای خود پیش‌پیاوردید تا ما بتوانیم در این
یادداشت به آن پاسخ دهیم.

۱. هوا گرم است

در فرهنگ و آداب و سنن ما ایرانی‌ها از
دیر باز، بیلاق و قشلاق جایگاه مهمی داشته.
ما همواره در ایام گرم سال به مناطق
گرمسیر و در ایام سرد به مناطق گرمسیر
کوچ کرده‌ایم. حالا وقتی رئیس‌جمهور
مملکت یک کاره وسط تابستان و در پیک
مصرف برق به آفریقا سفر می‌کند مشخص
است که آداب و سنن ایرانی را نادیده گرفته
و این سفر هیچ دستاوردی برای کشور ایران
نخواهد داشت.

۲. به آموزش زبان دنیا کمکی نمی‌کند.

اگر بخواهیم زبان دنیا را از منظر کارشناسی
به دو دسته زبان دنیا و دیگر زبان‌ها تقسیم
کنیم مشخص است که سفر به قاره آفریقا
چقدر مضر خواهد بود! آن هم بعد از دوران
افتخارآمیزی که ما رابطه خود را با تمام
کشورهای که زبان غیردنیایی داشتند
قطع کرده بودیم. همان‌طور که می‌دانید
در قاره آفریقا یکصد زبان زنده وجود دارد که
بعضی از آنها مبتنی بر آواها و حرکات بدن
می‌باشند! تا آدم بخواهد زبان آنها را یاد
بگیرد دیگر وقت کافی برای آموختن زبان
دنیا و تشخیص درست تفاوت واژه‌های لغو
و تعلق نخواهد داشت.

۳. در سلفی بد می‌افتد

اصلاً فرض کنید که در قاره آفریقا منافع
زیادی بود و توانستید با استفاده از آن
رونق خوبی در اقتصاد کشور ایجاد کنید!
خوب بعد از آن باید از رهبران آن کشورها
دعوت کنید که به کشور بیایند. آیا رهبران
آن کشورها خوش‌عکس‌اند؟ آیا در سلفی
تصویرشان خوب می‌افتد؟ خود شما اگر
قرار باشد بین سلفی گرفتن با رؤسای
جمهور آفریقا و موگرینی یکی را انتخاب
کنید کدام را انتخاب می‌کنید؟

۴. آموزش غلط دیپلماتیک

گاهی در قرارهای دیپلماتیک لازم می‌شود که
قاطعیت به خرج داده یا وسیله‌ای را روی میز
بکوبید تا طرف مقابل حساب کار را کرده و
زیاده نخواهد نکند. تردد زیاد به جنگل‌های
آفریقا ممکن است باعث شود خدای ناکرده
هوس کنید نارنگلی چیزی بکوبید روی میز
مذاکره و میز مذاکره از وسط بشکنند و دیگر
نتوانید به دیپلماسی عقلایی ادامه دهید.

همه‌اش تحقیر ایرانی‌هاست!

یا آن آقای کچل و آن آقای سیاهپوست پشت
سری‌اش به چه دلیل نیششان تا بنا گوش باز
است؟ آن هم دقیقاً پشت سر آقای رئیسی؟

به داستان هر دو رئیس‌جمهور نگاه کنید، رئیس
جمهور کنیا دستانش را محکم و استوار در راستای
بدن قرار داده و نشان می‌دهد که از کلاهی که بر
سر ایران گذاشته مطمئن است و آن لیخندش هم
در حکم تایید آن؛ اما رئیسی چه؟ حتماً منافع ملی
را به کنیایی‌ها فروخته و لیخند رئیسی که نشانه
این فروش مملکت است، حالا گاهی به روسیه،
گاهی به چین و حالا کنیا!

اگر به عکس خوب دقت کنید: از لای در یک آقای
سیاه پوست دارد یواشکی دید می‌زند، به نظر شما
او به جز یک جاسوس چه کسی می‌تواند باشد؟
که همه برنامه‌ها که نه! همه نقشه‌های رئیسی و
تیمش را با یک گزارش ساده به بالادستی‌هایش
که معلوم نیست امریکایی‌ست، اسرائیلی‌ست
ترک است یا که عرب، نقش بر آب خواهد کرد...

بین الملل معنا و مفهوم دارد و الکی آن را آنجا
نگذاشته‌اند، البته حالا در خاطر من نیست معنایش
چیست ولی شما پیش فرضتان روی تحقیر ایران
باشد تا ببینم چه می‌شود!

همراهی کنیایی‌ها با مخالفین نظام هم به نوعی
در این تصویر مشهود است... به قسمت بالایی
در نگاه کنید، آیا شبیه خورشید نشده است؟
ترکیبش با شیر نر پایینی چه چیز می‌تواند باشد
به جز حمایت از شاهزاده پهلوی!

به افراد نظامی حاضر در عکس دقت کرده‌اید؟
به صورت ضربدری نسبت به رئیس‌جمهورهای
دو کشور ایستاده‌اند، چه معنایی می‌تواند داشته
باشد بجز بی‌اعتمادی دو کشور نسبت به هم؟!

آن دیپلمات ایرانی آن گوشه به چه چیز اشاره
می‌کند که آن آقای کنیایی خودش را به آن راه زده
است؟ معلوم است که کنیایی‌ها کاسه‌ای زیر نیم
کاسه دارند...

سید مهدی موسوی
طنزپرداز



چند روز پیش طی سفر ریاست محترم جمهور به
آفریقا عکس‌های واقعاً تأسف‌باری منتشر شد که
متأسفانه از دید خیلی‌ها پنهان ماند ولی در اینجا
ما می‌خواهیم به تحلیل یکی از آنها بپردازیم:

به پرچم روی میز نگاه کنید آری پرچم کنیاست ولی
سؤال ساده‌ای که پیش می‌آید این است که پرچم
ایران کجای این دیدار رسمی است؟

اصلاً رد کردن رئیسی از میان دو شیر چه معنایی
می‌تواند داشته باشد بجز تحقیر ایران و ایرانی؟
یعنی که ما کنیایی‌ها شما ایرانی‌ها را تکه و پاره
می‌کنیم.

آن تابلوی مشوش روی دیوار در سمت رئیسی
را نگاه کنید، تابلو انتزاعی در ادبیات سیاست



دیالوگ حدسی

زلنسکی: ای بابا! بیا بریم زن! تا ما اینجا وایسیم دو
تا شهر دیگم سقوط می‌کنه.

محمد مطلبی

زن لباس مشکی: شوهرت یه کت و سلوار نداشت
بیوشه؟
زن زلنسکی: ولش کن اعصابش داغونه کسی
بهش محل نداده!

زلنسکی: دوباره موقع خداحافظی شد، یک ساعت
می‌خوان وایسن جلو در حرف بزبن.
مرضیه سادات آل ایوب